

نگاه هنرمند

سینمایی که قصه گویی بلد است

محمد یعقوبی

■ یکی از دستاوردهای مهمی که این فیلم برای سینمای ما داشت این است که هنرمندی که برنده جایزه اسکار می‌شود تا جایی که من خبر دارم، عضو آکادمی علوم سینمایی آمریکا می‌شود. اگر این اتفاق افتاده باشد مهم‌ترین دستاورد این اتفاق این است که از این به بعد سینمای ایران نماینده‌ای هنرمند و کاربلد در اسکار دارد که سینما را می‌شناسد. این دستاورد را نباید نادیده گرفت. توصیه من به مسوولان این است که تا دیر نشده تبریک بگویند. جامعه انتظار دارد که مسوولان وظیفه‌شان را انجام دهند و قدردان این موفقیت‌های به‌دست آمده توسط فیلم «جدایی نادر از سیمین» باشند. اهمیتی که اسکار این فیلم دارد این است که یک‌بار بعد از سال‌ها فیلمی از ایران در عرصه جهانی مطرح شده است که متعلق به سینمای داستان گوی ماست و جهان واقعی ایران را به تصویر می‌کشد. تا به امروز هر فیلمی از ایران در جهان مطرح شد متعلق به سینمای تجربی بوده است. حالا بعد از کسب این جایزه می‌توانیم بگوییم که سینمای ایران قصه‌گویی بلد است. فیلمی که هم نخبان آن را پسندیده‌اند و هم مردم عادی با آن ارتباط برقرار کردند و آن را دوست دارند.

نگاه سینماگر

فیلمی برای صلح‌خواهی

همایون ارشادی

■ موفقیت آقای فرهادی را به ایشان و همه جامعه سینمایی تبریک می‌گویم. اصغر فرهادی جایزه مهمی را کسب کرد. به‌خصوص که بعد از مدتی وقفه سینمای ایران را مطرح کرد و بار دیگر باعث رونق سینمای ایران شد. امیدوارم که این جایزه باعث شود تا نام ایران را بیشتر بشنویم. بعد از عباس کیارستمی این موفقیت تازه‌ای در عرصه هنری ایران بود. موفقیت در هر زمینه‌ای می‌تواند موفقیتی برای کل جامعه ایرانی باشد. در دنیایی که همه به جنگ می‌اندیشند، این سینما و این فیلم است که از صلح می‌گوید.

نگاه میهمان

پیام‌برافتخار

امان‌الله قراپیی‌مقدم

جامعه‌شناس

■ اول باید موفقیت فرهادی و برنده شدن او در «اسکار» را که مثل همه موفقیت‌های دیگر اعم از موفقیت‌های کشف سلول‌های بنیادین و انرژی هسته‌ای و اختراعات دیگر افتخاری ملی است، تبریک گفت. البته حق این بود که دیگر جایزه بهترین سناریو هم به فرهادی تعلق می‌گرفت اما همین جایزه بهترین فیلم خارجی هم باعث شد تا نام ایران بار دیگر در سطح جهان مطرح شود و این افتخاری است که به افتخارات متعدد مردم ایران افزوده است. ایران بار اول است که در طول ۷۰ سال تاریخ سینمای ایران چنین جایزه‌ای دریافت می‌کند. سینمای ایران تا پیش از این نتوانسته بود هم جایزه «سزار» و هم «اسکار» را گرفته باشد.

جای افتخار است که در بین کشورهای جهان و کشورهای برجسته اروپای غربی کشور ایران این افتخار را کسب می‌کند. این جوایز نشان می‌دهد که سینمای ایران به این توانایی رسیده که مقابل بزرگان سینمای جهان قد علم کند و حتی فیلم «جدایی نادر از سیمین» در «اسکار» گوی رقابت را از دیگران بریاید.

افتخار ملی و میهنی موجب می‌شود هنرمندان دیگر رشته‌ها از جمله موسیقی و تئاتر خودشان را بیشتر باور کنند و این خودباوری خود به خود در کیفیت کار هنرمندان، کارگردانان و تهیه‌کنندگان فیلم‌ها اثر عمیق می‌گذارد. امروز برای ایران روزی تاریخی است و این جایزه بین‌المللی در زمینه فیلم و با وجود اینکه دست‌هایی در کار بود که جلوی موفقیت این‌ کار را بگیرند اما خبرهایی که از کارگردانان درباره اکران این فیلم در دیگر کشورها شنیدم نشان داده که چنان جاذبه‌ای در بیننده ایجاد کرده که یک لحظه تماشاچی چشم از فیلم بر نمی‌دارد.

ایین فیلم جنبه بازاری و تجاری ای را که در دیگر فیلم‌ها دیده می‌شود، ندارد و جنبه کیفی این فیلم موجب شده که کارگردان این جایزه گران‌بها را بگیرد. و با وجود برخی نامهربانی‌ها به فیلم، از جمله در صدا و سیما، شما می‌توانید تا اندازه‌ای این حرمت را نگه دارید و این پیام را با افتخار به تمام ایران برسانید.

نگاه

هوشنگ کامکار

آهنگساز

من فرهادی را با فیلم «درباره‌ی الی» شناختم؛ کارگردان جوانی که باعث افتخار تمام ایرانیان در سراسر دنیا شد.

از دیشب در انتظار نتیجه این مراسم بوده‌ام، متأسفانه نتوانستم مراسم را ببینم اما صبح خبرها را

نام نیک ایران در جهان

دنیال کردم و شنیدم در یافت جایزه اسکار برای همه ما باعث افتخار و شادی بود. این جایزه چهره فرهنگی ایرانیان را به تمام دنیا نشان می‌دهد و درخشش یک هنرمند ایرانی در سطح جهانی باعث درخشش فرهنگ و هنر ایران است.

این فرصت برای آقای فرهادی پیش آمد تا بتواند نام ایران از به نیکی در جهان یاد کند. این پیروزی را به ایشان و همه ایرانیان از صمیم قلب تبریک می‌گویم.

ما و اعضای آکادمی

حمیدرضا صدر

یک

خواب عمیق، بلند شدن صدای زنگ تلفن. نگاه کردن به ساعت. حوالی پنج و نیم صبح بلند شدن صدای بلندی از درون گوشی. فریاد. جیغ. آمیخته به شادی فراوان. به هیجان مغرط. به شغف بی‌حصر. تبریک. نهیت. برای مجسمه اسکار اعطاشده به جدایی نادر از سیمین. برای بالا رفتن اصغر فرهادی از معبد آکادمی. از پله‌های معبد اسکار... سیاهه اس‌ام‌اس‌ها در موبایل با ترجمیند «سرانجام بزرگ‌ترین افتخار سینمایی وطن».. تکرار واژه «فتخار». تکرار. تکرار. تکرار... اینکه سرانجام فیلم ایرانی اسکار گرفت... و چه واژه‌ای است این «سرانجام».

دو

همه اینها حرف زدن درباره جایزه اسکار و این فیلم و فرهادی را سخت کرده حالا که خیلی‌ها احساساتی شده‌اند. حالا که خیلی‌ها به‌هیجان آمده‌اند. به غلیان. حالا که نقد اسکار - شاید - متراشف با جبهه‌گیری علیه فیلم و فیلمساز قلمداد شود. حالا که با احتیاط باید گفت در سیاهه آثار رایبنده اسکار تعداد فیلم‌های بد و فراموش‌شده پرشمار هستند (مضی نمونه دور دنیا در هشتاد روز ساخته مایکل اندرسن). با احتیاط باید گفت از زمانی که فیلم شجاع دل ساخته مل کیبسون اسکارها را درو کرد، آکادمی و مراسمش را کنار گذاشتیم. کنار گذاشتیم و آن را بازی قلمداد کرد.م بازی‌ای که شاید گاهی خوشمزگی‌هایی هم داشته باشد. ولی جدی گرفتنش، که خواه ناخواه متراشف با نادیده گرفتن ده‌ها اثر و فیلمساز دیگر می‌شود، سخت است. خیلی زیاد.

سه

با این وصف راه میانه‌های هم وجود دارد؛ راهی که در آن جایزه

روز خوشحالی

شاهین امین

سال‌ها پیش شاید ۱۷ یا ۱۸ سال قبل در گفت‌وگویی زنده‌یاد علی حاتمی درباره جوایز سینمایی و سینمای حرفه‌ای اشارتی کرده بود با این مضمون: «جوایز سینمایی خوب هستند، اما از آن مهم‌تر ساختار حرفه‌ای است... ما هر وقت اسکار گرفتیم- یا در اسکار مطرح شدیم- می‌توانیم بگوییم در سینمای حرفه‌ای کاری کرده‌ایم... حتی در مسکو هم من وقتی رفتم مرکز مسفیلم- کمپایی اصلی تولید فیلم در شوروی سابق- اسکارشان را در وترین بالاتر از جوایز جشنواره‌های کن، ونیز و برلین قرار داده بودند.»قطعا بزرگی مانند علی حاتمی را با آن نگاه شرقی و روایت‌های منحصر به فرد سینمایی هر گز کسی- حتی تندترین منتقدانش - منتهم به غرب‌گرایی و غرب‌ستایی نکرده و نمی‌کند. نگارنده و هیچ کس هم نمی‌تواند ادعا کند که همه جوایز اسکار بی‌خطا و کاملا دقیق است-البته که نیست مثل هر جایزه دیگر- اما می‌توان

شیرینی به‌کام شما

اصغر فرهادی عزیز، همکار محترم، عضو گرامی مجمع فیلمسازان، موجب شادمانی ما شدی. در روزگاری که رسانهای همچون سینما جریان‌های فرهنگی جهان را رقم می‌زند، به‌راستی جایزه اسکار براننده سینمای ایران بود، که به دست توانای جنبه‌الی به مردم ایران هدیه شد. ایرانی که از پشتوانه فرهنگی غنی برخوردار است، هنرمندان بسیاری برای شکوفایی دارد. این پرچمی که امروز در آمریکا به اهتزاز درآمد،

لباس هنرمندان «جدایی» در «اسکار»

در مراسم هشتاد و چهارمین جایزه‌اسکار اصغر فرهادی و پیمان معادی با لباس‌های طراحی‌شده توسط برند بسیار لوکس ایتالیایی ERMENE GILDO ZEGNA (رمنه جیلدو - زنی یا) و لیلا حاتمی با لباسی با طراحی لوکس‌ترین برند آلمانی ESCADA (اسکادا) حضور پیدا کردند.

لباس اصغر فرهادی و پیمان معادی شامل کت و شلوار «تاکسیدو»ی رسمی و مشکی‌رنگ به همراه ژلیله و پاپیون سفید (و مشکی) با پیرهن‌های هم‌رنگ بود. این درحالی بود که نام اصغر فرهادی و پیمان معادی با جمله اختصاصا تولید شده، داخل لباس درج شده بود.برند «رمنه جیلدو - زنی یا» لوکس‌ترین برند مردانه جهان بیش از یکصد سال در تولید مرغوب‌ترین پارچه‌ها و نیم‌تنه نیز در دوخت

نظر

راهگشای تنگناها

کمال تبریزی

کارگردان

سینما بزرگ است و تاثیرگذار. فراتر از ملیت و مرزها. هرچند که بعضی‌ها آن را کوچک تصور می‌کنند و محدودش می‌خواهند. سینمای امروز بیان

هر جور راحتید

سحر طلوعی

۱ - خاترم نیست مثلا سال ۲۰۰۹ که فیلم ژاپنی مردگان (departures) برنده جایزه اسکار فیلم خارجی زبان شد، روزنامه‌های ژاپنی حرف از روابط سیاسی ژاپن و آمریکا به میان آورده باشند و قابل به نقش این رابطه در جایزه‌گرفتن کارگردان کشورشان باشند. تا آنجا که یادم هست، وقتی فیلم «رازی در چشم‌هایش» از آرژانتینس جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی زبان سال ۲۰۱۰ را گرفت، روزنامه‌های آرژانتینی حرفی از چالش‌های میان امریکای لاتین و آمریکا به میان نیاوردند. همین‌طور وقتی فیلم دانمارکی «در جهانی بهتر» سال گذشته همین افتخار را تکرار کرد... . نکته مهم روزنامه‌های ژاپنی، دانمارکی، آرژانتینی و دیگر کشورهایی که نمایندگان‌شان در مراسمی مثل جشن سینمای آمریکا یا جشن‌های مشابه آن صاحب افتخار شده‌اند، در کنار انتشار اخبار و تصاویر، شرکت در شادی عمومی است. دست‌کم این روزنامه‌ها اگر در صفحه یک به خبر توجه نکرده‌اند، پای سیاست را وسط دستاورد هنری هنرمندان‌شان باز نکرده‌اند. مثلا، ژاپن، دانمارک، آفریقای جنوبی و... از اینکه سینمایشان صاحب تندیس اسکار شده، حتما خوشحال شده‌اند و افتخار کرده‌اند. اگر به خیابان نینامداند و جشن نگرفته‌اند، مطمئنا درباره محصول هنری‌شان، پای دسیسه‌های جهانی را به میان نکشیده‌اند. حداقل وقتی جایزه‌ای را صاحب شده‌اند، از ایین حرف‌ها زنده‌اند و دچار این‌گونه توهمات

افکار و اندیشه‌های انسانی در تعامل جهانی است. به اصغر فرهادی و همکارانش در «جدایی نادر از سیمین» به عنوان اعضای خانه سینما و نمایندگان فرهنگ و هنر ایران‌زمین در عرصه سینمای بین‌الملل تبریک ویژه می‌گویم و امیدوارم موفقیت چشمگیر سینمای ایران، راهگشای تنگناها و تنگ‌نظری‌ها در مسیر حرکت سینما و اهالی خانه سینما باشد.

نشده‌اند. دنیال کردن ردهای سیاست و توطئه، وقت شکست قابل‌قبول است، اما وسط هیاهوی پیروزی، کمی بی‌انصافی است.

۲ - «جدایی نادر از سیمین» فیلم سیاسی‌ای است و به همین خاطر اسکار گرفته، اگر رابطه ایران و آمریکا خوب بود، شاید این فیلم اسکار می‌گرفت، «چون در راستای اهداف آمریکا ساخته شده، اسکار می‌گیرد»، «فیلم توسط حاکمیت ایران، راهی این مراسم شده، بهتر است اسکار نگیرد؟» و... اینها ادعاهایی است که بسیاری از منتقدان فیلم و غیر منتقدان، بسیاری از مردان عرصه سیاست و... پیش و پس از مراسم اسکار ۸۴ و دریافت جایزه، درباره فیلم جدایی نادر از سیمین مطرح کرده‌اند. اشکالی هم ندارد. مهم نیست کدام‌یک از این ادعاها و اظهارنظرها واقعی است. اما موضوعی که همیشه این میان نادیده گرفته می‌شود، «شادی» است. گویی ابراز خوشحالی امری غریب و خاص سرزمینی دیگر است. گویی شاد شدن در تضاد با انگاره‌های زیستن است، زشت است، سبکسری است و به انسانیت توهین می‌کند. کدام کشور را سراغ دارید گروهی البته نه پرشمار از مردمش، کارشناس‌اش، سیاستمدارش و... از کسب افتخار ناراحت شوند؟ از تبریک گفتن به هم طفره برون؟ یا خوشحالی غریبه باشند؟ افتخار کردن نه بیماری است و نه زایم، لال خلاف آئینی.

۳ - برای رفع توهمات و بیماری دایی‌جان ناپلئونی برخی از ما در این فرصت کوتاه کار خاصی نمی‌شود، کرد. این مشکل با استدلال و نمونه و شاهدگرفتن این و آن و حتی تجویز دارو درمان نمی‌شود. در جواب این برداشتها تنها می‌توان گفت: «هرجور راحتید»

نگاه همکار

تریلوژی دروغ و قضاوت

محسن امیریوسفی

اصغر فرهادی عزیز، دریافت اولین جایزه اسکار سینمای ایران را به تو تو و همه همکارانت در «جدایی نادر از سیمین» تبریک می‌گویم. فیلم توشایسته‌ترین فیلم ایرانی برای دریافت این افتخار بزرگ بود. نگاه متفاوت و تیزبین تو به همراه بازی سحرانگیز بازیگرانت و تلاش عوامل متبحرت، کامل‌ترین پرداخت در تریلوژی «دروغ و قضاوت» بود، که در دو فیلم قبلی تو نیز آثار خاصی را به وجود آورده بود. دریافت این جایزه موفقیتی ستایش‌برانگیز و به‌یادماندنی است برای تو و همه همکارانت و بیش از آن افتخاری است برای سینمای ایران.

از چشم نویسنده

سر تعظیم مقابل پیامی انسانی

حسین پاکدل

■ الان دیگر نه فیلم جدایی نادر از سیمین تنها یک فیلم سینمایی است، نه اصغر فرهادی تنها یک کارگردان و نه جایزه اسکاری که او با خود به خانه می‌آورد یک جایزه صرف. این رویداد یک افتخار ملی است. به نظر می‌رسد شرایط به‌گونه‌ای رقم خورده که سیر سیری‌شده توسط اصغر فرهادی از لحظه نگارش فیلمنامه تا اولین نمایش و در ادامه کسب این جایزه بزرگ در کنار حجم جوایزی که درو کرد همه و همه واجد عبرت‌هایی بزرگ است. هم برای سینمای ما، هم برای سینماگران ما و هم مدیران سینمایی؛ تا بدانیم امان از وقتی که قرار است خداوند با وجود همه سختی‌ها و سنگ‌اندازی‌ها به کسی بی‌دری عزت عطا کند. نیک هم می‌دانیم اصغر فرهادی با تمام وجود با ساخت این فیلم شرافتمند، فرهنگی را نمایندگی می‌کند که پایه‌های اندیشه‌اش استوار و پابرجا بر احساسات ناب انسانی است، حتی آنان که اعطای این جایزه را سیاسی می‌نگرند هم باید بفهمند که جهان سیاست با همه بزرگی در مقابل پیام انسانی فیلم سر تعظیم فرود آورده است. به سهم خود کسب این افتخار بزرگ را به اصغر فرهادی و ملت ایران تبریک می‌گویم.

Ermenegildo Zegna

